

آشنایی با محله و معیارهای محله‌بندی شهر با تأکید بر شهر تبریز

محمدرضا پورمحمدی^۱

علی مصیب‌زاده^۲

چکیده

اولین و مهم‌ترین گام در هر نوع برنامه‌ریزی محیطی تعیین محدوده‌ی برنامه‌ریزی و تشخیص واحدهای تشکیل‌دهنده‌ی آن است. در واقع اساس توزیع و تخصیص کاربری‌ها و تعیین استانداردها و سرانه‌های شهری بر پایه‌ی تقسیمات فضایی - کالبدی شهر استوار است. به همین دلیل می‌توان گفت بسیاری از مسایل و مشکلات شهرهای کشور با مشکلات تقسیمات شهری آن ارتباط دارد آن چنانکه مدیریت شهری امروزه از آن رنج می‌برد چرا که هر یک از سازمان‌های خدمات‌رسان شهری بدون توجه به محدوده‌ی فعالیت سایر نهادها شهر را به حوزه‌های متفاوت و نامتجانس از هم تقسیم و سبب اتلاف وقت و تحمیل هزینه‌ی زیاد بر شهروندان گشته است. بنابراین برای تأمین محیط زیست مطلوب شهری نیاز به تقسیمات کالبدی - فضایی مناسبی است که محله در آن رکن اصلی و اساسی و محله‌بندی بر اساس معیارهای شهرسازی، مهم‌ترین اقدام آن به شمار آید تا از این طریق معیارهای قابل انطباق محله‌بندی شهرمعین و بستر لازم برای توسعه‌ی مدیریت شهری فراهم شود. در این مقاله سعی شده تا ضمن آشنایی با محله و محله‌بندی، اهداف و عوامل تأثیرگذار بر آن، معیارهای محله‌بندی در تقسیمات شهری ایران به‌ویژه طرح تفصیلی سال ۱۳۸۴ کلان‌شهر تبریز ارزیابی و پیشنهاداتی را در جهت معیارهای محله‌بندی شهر ارائه شود. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش اسنادی و به صورت توصیفی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: محله، محله‌بندی، معیارهای محله، طرح جامع.

۱- استاد دانشگاه تبریز، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز.
Email: Amosayeb2000@yahoo.com.

مقدمه

محلّه مفهوم گسترده‌ای را در بردارد و برای هر یک از برنامه‌ریزان شهری، جامعه‌شناسان، جغرافیدانان و جزو آن از نظر کالبدی و اجتماعی حایز اهمیت می‌باشد و پدیده‌ای جدید در شهرسازی محسوب نمی‌شود، چرا که از دیرباز در سیستم شهری کشور وجود داشته و در هر دوره‌ی تاریخی عوامل و عناصر تأثیرگذار اقتصادی - اجتماعی، سیاسی به نوعی شکل و ماهیت آن را تحت تأثیر قرار داده است. در شهرهای سنتی محلّه با ساختار فیزیکی - اجتماعی خاص، کارکرد مناسبی داشته و سال‌های سال با تأمین نیازهای مادی و معنوی ساکنین جریان زندگی در شهرها را تداوم و تقویت نموده است. اما امروزه سرعت بالای تحولات بشری (در زمینه‌های صنعتی و اقتصادی، و جزو آن) همسو و هماهنگ با ساختار سابق شهری نیست بلکه هر روز قصد تغییر و دخل و تصرف در محدوده‌های زیستی شهری دارد. برای پاسخگویی به این مشکل برنامه‌ریزان شهری به عنوان مقسمان عادلانه‌ی فضا برای انطباق ساختار شهری گذشته با پدیده‌های جدید شهری راهکارهای مختلفی را ارایه نموده‌اند طرح‌های توسعه‌ی شهری نظیر: طرح جامع، تفصیلی، هادی، و جزو آن از جمله آنهاست که با وجود نکات مثبت گاهی آثار نامطلوبی را نیز برای شهرها در پی داشته‌اند اما آخرین یافته‌های شهرسازی برنامه‌ریزی محلّه‌ای را مناسب‌ترین راهکار برای حل معضلات شهری امروزی، به مدیران شهری توصیه می‌نماید آنچنانکه در کشور ما نیز به نوعی از سال ۱۳۸۳ شاهد تلاش‌های زیادی در زمینه‌ی محلّه‌بندی شهرها به ویژه در تهران هستیم هر چند معیارهای به کار رفته در آن به صورت علمی قابل اسناد نمی‌باشد. شهر تبریز نیز به عنوان یکی از کلان شهرهای کشور با سابقه‌ی تاریخی ارزشمند

در زمینه‌ی محله هنوز نتوانسته محلات شهری خود را ساماندهی و همگام با تهران انتخابات شورای محلات را برگزار نماید. در طرح تفصیلی جدید نیز به عنوان آخرین سند تقسیمات کالبدی، محله به شکلی به تصویر کشانده شده که من حیث المجموع قادر به ایجاد محله برنامه‌ریزی و ظرف و قالب مناسبی جهت تشکیل و تکوین مدیریت محله‌ای نیست چرا که معیارهای به کار گرفته شده محله‌بندی در مناطق مختلف شهر تفاوت‌های زیادی را از خود نشان می‌دهد. بنابراین هدف تحقیق حاضر بررسی معیارهای به کار گرفته شده در تحدید محله در طرح تفصیلی (۱۳۸۴) شهر تبریز می‌باشد که برای نیل به این امر تعاریف، دیدگاه‌ها، و اهداف محله و تجربیات داخلی و خارجی نیز مورد بررسی و پیشنهاداتی نیز برای محله و معیارهای محله‌بندی شهرها ارائه گردیده است. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، اسنادی و به صورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

تعریف محله

چند وجهی بودن مفهوم محله متخصصین علوم مختلف را بر آن داشته تا هر یک بر اساس تخصص خود نظرات خود را ابراز دارند: در اوایل قرن بیستم رابرت ایزراپارک^۱ و برگس^۲ محله را یک واحد اجتماعی و اکولوژیکی قابل برنامه‌ریزی تعریف نمودند (Randolph, 1984, P. 5) از جانبی کلر^۳ محله را مکانی با مرزهای فیزیکی و عادی (Keller, 1968, P. 89) و موریس و هس^۴ محله را از اجتماع

1- Robert E. Park

2- Ernest. W. Burgers

3- Keller

4- Hess Morris

مکان و مردم با حس مشترک در یک محدوده‌ای که به سهولت برای مردم قابل تردد باشد معرفی نمودند (Morris and Hess, 1975, P. 6) اما محله در شهرسازی امروزه بیشتر با طرح واحد همسایگی کلرنس پری^۱ در سال ۱۹۲۶ شهرت یافته است، طرحی که بیشتر با کاربری‌های اختصاصی نظیر یک مدرسه‌ی ابتدایی در مرکز محله توأم با چند مغازه و زمین بازی و ورزشی در فاصله‌ی مناسب دسترسی (با پای پیاده) برای کل محلات و یک واحد مذهبی و سالن اجتماعات و استخر شنا برای محلات پر درآمد و یک موزه و تأثیر برای محلات پرتراکم شهری سعی در ارتقاء کیفیت زندگی شهری داشت (وزین، ۱۳۷۸، صص ۱۴۱-۱۴۰).

در ایران نیز متخصصین چندی در رابطه با محله نظراتی داشته‌اند که می‌توان از جمله آنان به حسین شکویی اشاره کرد که معتقد است محله از خانه‌های مجاور در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل شده به وجود آمده و خانواده‌ها نسبت به محله‌ی مسکونی همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به آن خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبه‌رو می‌بینند (شکویی، ۱۳۶۵، صص ۴۸) محمدتقی رهنمایی از دیگر افرادی است که محله را این چنین تعریف می‌نماید، محله یک واحد جغرافیایی شهری است که آن را نه عوارض و پدیده‌های طبیعی بلکه بیشتر قابلیت ارایه‌ی خدمات شهری معین می‌نماید (رهنمایی، ۱۳۶۹، صص ۱۵۰).

1- Clarence Perry

بنابراین در تعریف محله از سوی صاحب نظران علوم مختلف جدای از برخی از تفاوت‌ها، بر روی دو معیار و تأکید خاصی شده است: الف - نزدیکی و مجاورت مکانی؛ ب - ارتباط و تماس‌های اجتماعی بین ساکنین.

این دو معیار کالبدی و اجتماعی است که هر کدام دارای ماهیت، شکل و الگوهای خاص خود هستند و در شهرسازی امروزه از آن به باهمستان یاد می‌شود (برک‌پور، ۱۳۷۸، ص ۳۹).

دیدگاه نظری

دو دیدگاه اصلی در رابطه با اندازه‌ی محله وجود دارد.

۱- محله در مفهوم یک عملکرد سیاسی که در آن افرادی نظیر جین جکوبز^۱ عقیده بر این دارند که محله باید به اندازه‌ای بزرگ باشد که بتواند از منابع گروهی خود دفاع کند و آن نیز تنها در جوامع با جمعیت بالای ۱۰۰,۰۰۰ نفر امکان‌پذیر است از طرفی کریستوفر الکساندر^۲ استقلال سیاسی و اقتصادی شهرها را در گرو محلات با جمعیت ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ و گاهی تا ۱۰,۰۰۰ نفر تلقی می‌نماید چرا که در چنین جوامعی تصمیم‌سازی گروهی مؤثرتر و فاصله‌ی میان شهروندان و مسئولان حکومتی کاهش می‌یابد (Moughtine, 2005, P. 189).

1- Jane-Jacobs

2- Christopher Alexander

۲- محله‌ی فیزیکی: طرفداران این نظریه، اندازه‌ی محله را در جمعیت و سهولت دسترسی پیاده مردم از حاشیه به مرکز تلقی می‌نمایند لیون کریر^۱ از جمله‌ی آنهاست و اندازه‌ی چنین محله‌ای را ۱۲۰۰۰ نفر پیشنهاد می‌کند (همو، ۱۹۰).

کلرنس پری^۲ و کلرنس اشتاین^۳ و هنری رایت^۴ محله را با عناصر اصلی یعنی با جمعیت ۵۰۰۰ نفر یا ۱۰۰۰ خانوار و فاصله مرکز محله تا حاشیه‌ی خارجی را ۴۰۰-۸۰۰ متر معین نموده‌اند به عبارتی اندازه‌ی هر واحد همسایگی در طرح آنان را تعداد خانواده‌هایی تعیین می‌کرد که قرار بود حد نصاب دانش‌آموزان مدرسه را تأمین کند (رضویان، ۱۳۸۱، صص ۳۹ و ۴۱).

روستا - شهر^۵

حرکت جدید شهرسازی از سال ۱۹۹۲ در انگلستان است که برای پاسخگویی به بحران کیفیت زیست محیط شهری ظهور یافته و مهم‌ترین شاخصه‌های اندازه‌ی محله در آن جمعیت ۳ تا ۵ هزار نفر مساحت ۴۰ هکتار و شکل دایره‌ای با قطر ۹۰۰ متر می‌باشد (علی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۴۵).

الیزابت پلتر زیبرک^۶، اندریاس دووانی^۷، محله‌بندی جدیدی را در شهر سی‌ساید^۱ از دهه‌ی ۱۹۹۰ تحت عنوان توسعه‌ی محلات سنتی وارد ادبیات شهرسازی جدید نموده‌اند که شامل مولفه‌های ذیل می‌باشد:

-
- 1- Leon Krier
 - 2- Clarence Perry
 - 3- Clarence H. Wright Stein
 - 4- H. Wright
 - 5- Urban Village
 - 6- Elizabeth Platter Zyberk
 - 7- Andres Duny

مساحت ۴۰ تا ۲۰۰ ایکر، فاصله از مرکز تا انتهای حاشیه‌ی خارجی ۴۰۰ متر، حداکثر زمان از لبه تا مرکز محله ۳-۵ دقیقه (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، صص ۳۱۱ و ۳۱۲).

نوع دیگری از محله‌بندی در شهرهای سانتیاگو، پورتلند و جزو آن مبتنی بر سیستم حمل و نقل عمومی سبک از سوی کالترب^۲ ارایه شد که بیشتر بر پای پیاده و حمل و نقل عمومی با فاصله از انتها تا مرکز محله ۶۰۰-۴۰۰ متر با فاصله‌ی زمانی حداکثر ۱۰ دقیقه با مساحت ۲۵۰-۱۲۵ ایکر، با تراکم خالص ۱۰ خانوار در هر ایکر تأکید داشت (www.peakpr.com).

محله در تقسیمات کالبدی شهرهای ایران

حیبی و صدیقه مسایلی در کتاب سرانه‌ی کاربری‌های شهری محله را شامل ۱۲۵۰-۷۰۰ واحد مسکونی با جمعیت ۵۵۰۰-۳۵۰۰ نفر با شعاع دسترسی ۳۷۵-۳۰۰ متر تلقی نموده است (حیبی و مسایلی ۱۳۷۸، صص ۶ و ۷) و اسماعیل شیعه در کتاب مقدمه‌ای بر مبنای برنامه‌ریزی شهری ۱۳۷۱ جمعیت محله را ۵۰۰۰ نفر و فاصله‌ی مرکز تا حاشیه را ۵۰۰ متر (شیعه، ۱۳۷۱، صص ۱۷۲) و وزین نیز معیار جمعیتی محله را ۲۰،۰۰۰ - ۶ نفر و شعاع عملکرد آن را ۱۰۰۰-۷۵۰ متر (وزین، ۱۳۷۸، صص ۱۷۹ و ۱۸۳) و سازمان برنامه و بودجه‌ی استان فارس در کتاب استانداردهای حداقل سرانه‌ی کاربری اراضی در طراحی شهری جمعیت را

1- Seaside
2- Caltorp

۵۰۰۰ نفر و شعاع دسترسی به مرکز محله را ۵۰۰ متر (سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۱، ص ۴۹) لحاظ نموده است.

شهرداری‌ها برای انجام کار و ارایه‌ی خدمات به حکم قانون موضوع ماده‌ی ۵۴ قانون شهرداری نیاز به شناخت و تقسیم محدوده‌ی جغرافیایی خود برای خدمات‌رسانی شهری هستند. بنابراین بر اساس ماده‌ی ۳۰ قانون تشکیلات شورای اسلامی، محله کوچک‌ترین واحد شهری است که حدود آن در هر شهر تابع تقسیمات شهرداری و جمعیت آن حداقل ۱۰ هزار و حداکثر ۲۰ هزار نفر بوده و تعیین حدود آن نیز توسط شهرداری‌ها، وزارت کشور و مرکز آمار ایران صورت می‌گیرد (وزارت کشور، ۱۳۶۷-۱۶۰۴-۳۴، بخشنامه‌ی شماره‌ی $\frac{۳۴/۱۶۰۴}{۶۷/۲/۱}$).

اهداف محله‌بندی شهر

تقسیمات کالبدی و ایجاد سلسله مراتب فضایی شهر در جهت اهداف و مقاصد از جمله اهداف اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و جزو آن صورت می‌گیرد که در ذیل بر نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- گاهی برای سهولت اداره‌ی شهرها آنها را به محلاتی تقسیم کرده‌اند؛
- ۲- در بعضی مواقع برای جدا کردن گروه‌های مختلف دینی و مذهبی از یکدیگر این امر صورت گرفته است. مثل محله‌ی یهودی‌ها - زرتشتی؛
- ۴- در بسیاری از شهرها جدایی طبقاتی - جدایی محله را در برداشته است نظیر محله‌ی اغنیا و فقرا؛

۵- گاهی مسایل نظامی سیاسی به علت تقسیم‌بندی شهر مثل ارک و محله‌ی حاکم‌نشین که خود محله‌ای را تشکیل می‌داده است؛

۶- جدایی شغلی نظیر محله‌ی مسگرها؛

۷- گاهی عوامل طبیعی مانند وجود رودخانه، تپه و جزو آن باعث جدایی محلات یک شهر از محله دیگر شده است (پاپلی یزدی، ۱۳۶۶، صص ۹۸-۳۷).

عوامل تأثیرگذار بر محله‌بندی شهر

اگر محله را در مفهوم واحدی که از تجمع و پیوستگی کم یا زیاد و معاشرت و روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان مردم تلقی نماییم برای تشکیل آن مؤلفه‌های لازم است که از جمله می‌توان بر موارد ذیل اشاره کرد:

- وجود یک حوضه‌ی جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد؛
- وجود اجتماعی از مردم؛
- وابستگی میان گروهی از مردم (Thomilson, 1970, P. 181).

به نظر می‌رسد از میان مؤلفه‌های مذکور وابستگی میان گروهی از مردم نسبت به سایر موارد از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده باشد. چنانکه در طی تحقیقی نشان داده شده است اگر چه نیمی از مهاجران پورتریکویی ساکن نیویورک از کوچه و برزن‌های خود راضی نبوده‌اند اما از همسایگی مسکونی خود راضی بوده‌اند (۷۴٪). خصیصه‌ای که در تقویت سرمایه‌ی اجتماعی (محله) بسیار تأثیرگذار می‌باشد (جردن و راونتزی، ۱۳۸۰، ص ۴۴۲). اما با عنایت به اینکه شهر خود از اجرا و عناصر متعددی تشکیل شده و هر یک از آنها رابطه‌ی تأثیر و تأثر

متقابل را دارند، از جنبه‌های دیگری نیز می‌توان عوامل تأثیرگذار را مورد مطالعه قرار داد.

ویژگی‌های جغرافیایی نظیر

- توپوگرافی، آب و هوا و زاویه تابش آفتاب؛
- خصایص اقتصادی - اجتماعی وجود طبقات مختلف در شهر (طبقات بالا، متوسط، پایین) صنف، قوم، و جزو آن؛
- بکارگیری فن‌آوری‌های ارتباطی شهر (استفاده از اتومبیل، تراموا، یا پیاده و جزو آن).

اصول و معیارهای شهرسازی حاکم در شهر نظیر

- سلسله مراتب دسترسی‌های شهری و نقش دسترسی‌های محله در تحدید آن؛
- بافت فیزیکی شهر نظیر بافت‌های تاریخی، جدید، حاشیه‌ای، روستایی، مجموعه‌سازی با محله‌بندی خاص برای هر یک از آنها؛
- تراکم‌های شهری؛
- توزیع و پراکنش کاربری‌های شهری به ویژه توزیع مناسب مدارس محله‌ای؛
- منطقه‌بندی شهر.

به طور کلی می‌توان در تقسیمات کالبدی شهرها از کلیه پدیده‌های طبیعی و مصنوعی شهر در راستای ایجاد محله مطلوب شهری استفاده کرد.

محله‌بندی و تجربیات کشورهای جهان

الگوی تقسیمات شهری ابزاری برای انجام‌پذیر کردن فعالیت سازمان‌های مسئول شهری و ارتقای کارآمدی آنها در ارایه‌ی خدمات شهروندان و یا بهینه کردن نحوه‌ی پراکنش خدمات شهری و دسترسی شهروندان به آن به کار گرفته می‌شود. بر این اساس کشورهای مختلف تجربیاتی را در این زمینه در تاریخ شهرسازی خود به یادگار دارند که در جهت بهره‌مندی از معیارها و شاخص‌های آنها به مواردی چند از آنها در ذیل اشاره می‌شود:

۱- انگلستان

توجه به مقیاس کوچک و محله در شهرسازی معاصر با ایده‌ی باغ شهر هوارد در سال ۱۹۸۹ در انگلستان آغاز و با بکارگیری عملی آن در ساخت بسیاری از شهرها من جمله نوشهرهای استونج و کراولی با معیارهای جمعیتی ۱۰-۶ هزار نفر و به مرکزیت یک مدرسه ابتدایی تداوم یافته (مدنی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۳۰۸) و تتمه‌ی آن در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ انواع زیادی از مداخله دولت در محیط‌های شهری را در برداشته و گاهی آن را به یک استراتژی قدرتمند در سیاست شهرسازی تبدیل نموده است. بر این اساس دولت در جهت ارتقای سطح زندگی شهرها یک دستورالعمل فیزیکی به نام توسعه‌ی محله را سرلوحه‌ی امور شهری خود قرار داد. تا جایی که بعضی از آنها در سال ۲۰۰۱ به ایده‌ی دهکده‌ی شهری مشهور شد و مهم‌ترین معیارهای تشکیل و تکوین چنین محلاتی نیز جمعیت به تعداد ۳ تا ۵ هزار نفر و مساحت ۴۰ هکتار می‌باشد و بر این اساس دولت در سال ۲۰۰۱ ملزم شد تا طرحی برای شهرها تهیه نماید که در طول ۱۰ تا

۲۰ سال آینده هیچکس از محل زندگی خود ناراضی نباشد (فریادی، ۱۳۸۳، صص ۴ و ۵).

۲- آمریکا

آمریکا با استفاده از نیروی مهاجر اروپایی و جزو آن و دور بودن آن از کارزار جنگ جهانی دوم، تولیدات صنعتی خود را به مرحله‌ی انبوه رساند اما انگیزه‌ی منافع اقتصادی بیشتر برای صاحبان صنایع رسیدگی به ابعاد کیفی زندگی ساکنین مجتمع‌های مسکونی کارگری را به تأخیر انداخت تا جایی که شهرسازان آمریکایی برای پاسخگویی به مشکلات شهری حاصله، برنامه‌ریزی محله‌ای را مناسب‌ترین گزینه قلمداد و در شهرهای مختلف به شرح ذیل به کار گرفتند.

الف - محله‌بندی شهر نیویورک

محله نخستین بار در سال ۱۹۲۶ از کلرنس پری برای مواجهه با بی‌قوارگی و ازدحام ترافیکی و تأمین ایمنی برای نواحی مسکونی شهر نیویورک مطرح شد. وی محله را با تمام تسهیلات عمومی و شرایط مورد نیاز خانوارها در جوار واحدهای مسکونی با جمعیت حدود ۵۰۰۰ نفر و فاصله از لبه تا مرکز محله را ۴۰۰ متر و مساحت کل محله را ۶۴ هکتار تعریف و تحدید نمود (وزین، ۱۳۷۸: ص ۱۴۱).

ب - محله‌بندی شهری رادبرن

در سال ۱۹۲۸ برای محله‌بندی شهر رادبرن طرحی از سوی هنری رایت و کلرنس اشتاین ارائه شد که معیارهای اصلی و اساسی ساخت محله را فاصله‌ی متناسب از لبه تا مرکز محله ۸۰۰ متر و جمعیت محله ۱۰,۰۰۰-۷۵۰۰ نفر با جدایی

مسیر پیاده از سواره و تأسیسات عمومی مورد نیاز مردم در داخل آن تشکیل می‌داد (شیعه، ۱۳۷۱، ص ۵۱).

ج - شهر سی سایید

در این شهر نوشهرسازی یعنی توسعه‌ی محلات سنتی با معیارهای فاصله زمان دسترسی از واحدهای مسکونی به مرکز محله (۴۰۰ متر در ۳ تا ۵ دقیقه) برای ۳۵۰ خانوار با ۲۰۰-۱۰۰ واحد مسکونی در سطح ۸۰ ایگر با تراکم خالص ۱۵-۴ خانوار در هر ایگر (جریب) رعایت گردید (Furusteh, 1997, P. 205).

د - ساتیگو^۱ - پورتلند^۲

در شهرهای مذکور با استفاده از ایده‌ی توسعه‌ی محلات مبتنی بر حمل و نقل شهری فاصله و زمان دسترسی به مرکز محله (۴۰۰ تا ۶۰۰ متر در حداکثر ده دقیقه) و مساحت ۱۲۵ تا ۲۵۰ ایگر یا جریب و تراکم خالص ۱۰ خانوار در هر ایگر رعایت گردید (همو).

۳- استرالیا

محله‌بندی در حاشیه‌ی غربی ملبورن

در سال ۱۹۹۴ پروژه‌ی ویکتوریا با سه نوع طراحی برای حاشیه‌ی غربی ملبورن استرالیا الگوبندی شد.

1- Sandiego

2- Portland

الف - تقسیمات فرعی دهه‌ی ۱۹۸۰ با تراکم خالص ۱۰ خانوار در هر هکتار با دسترسی سلسله مراتبی، بن‌بست فراوان، خانه‌های یک طبقه، بدون لحاظ تابش خورشید؛

ب - الگوی مبتنی بر ضوابط ویکتوریا، ۱۵ خانوار در هر هکتار، ترکیب انواع خانواده‌ها، چهار راه فراوان، بن‌بست، رعایت تابش خورشید برای ۷۰٪ قطعات مسکونی؛

ج - طراحی سستی، ۲۵ خانوار در هر هکتار، فرصت شغلی بیشتر - دسترسی متقاطع - ۷۰٪ تابش خورشید (مرادای و اراز، ۱۳۸۳، صص ۱۰۸-۱۰۷).

۴- هندوستان

معیارهای ذیل در محله‌بندی شهرهای هندوستان رعایت شده است، جمعیت ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر، مساحت ۱ تا ۱/۵ کیلومتر مربع، عبور خیابان‌های اصلی از حاشیه‌ی محله با تجهیزات و تأسیسات عمومی مورد نیاز مردم در داخل محله (Hiraskar, 1989, Pp. 45-47).

محله‌بندی و تجربه‌ی کشور ایران

محله از دیرباز در تقسیمات کالبدی شهرهای کشور وجود داشته است اما در هر دوره با تأثیر و تأثر از عوامل، شرایط خاص آن دوره دچار تغییراتی شده است چنانکه در دوره‌ی قاجار و حتی رضاشاه پهلوی الگوی تقسیمات شهری کشور محله به شمار می‌آمد و اداره‌ی هر یک از آنها را نیز کدخدا برعهده داشت.

از سال ۱۳۲۰ به بعد الگوی خدمات رسانی شهری به ویژه در پایتخت کشور، تهران از محله به برزن تغییر یافت تا جایی که در سال ۱۳۴۰ تهران شامل ۲۴ برزن بوده است (پورمحمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۶). اما محله در مفهوم جدید آن در برنامه‌ریزی شهری از دهه‌ی پنجاه با ورود طرح‌های جامع شهری کشور وارد عرصه‌ی شهرسازی گردید که در ذیل نمونه‌هایی از چگونگی بکارگیری آن در طرح‌های جامع شهرهای مختلف کشور پرداخت می‌شود.

محله‌بندی و طرح جامع شهری

در طرح جامع شهری هدف اصلی ساختن شهری است که قادر باشد کلیه‌ی امکانات و شرایط زیست را در یک محیط سالم و امن برای ساکنان تأمین نماید. به طوری که هر محله‌ای از آن بتواند از سرویس‌ها و خدمات شهری در نزدیکی منازل خود بهره‌مند شود، بر این اساس قابلیت‌ارزایی خدمات شهری مهم‌ترین عامل در تعیین و تحدید محلات شهری است که در ذیل به تعدادی از طرح‌های جامع و چگونگی محله‌بندی آنها پرداخته می‌شود.

۱- طرح جامع رشت

طرح جامع رشت، در سال ۱۳۵۰ تقسیمات کالبدی شهر را به شکل، محدوده، محله، ناحیه و بخش به گونه‌ای که در آن محله از ۴ واحد محدوده شهری هر یک با ۲۵۰ خانوار و در مجموع ۱۰۰۰ خانوار معادل ۴ تا ۵ هزار نفر جمعیت (با حد نصاب ۱۶٪ از کل جمعیت به عنوان دانش آموز دبستانی) با اختصاص یک دبستان برای هر محله، مورد مطالعه قرار داده است (وزارت مسکن، ۱۳۵۰، صص ۴۷-۶۹).

۲- طرح جامع کاشان

محلّه را کوچک‌ترین واحد شهری با ۲-۳ هزار نفر جمعیت و شعاع دسترسی از لبه تا مرکز محلّه (مرز محلّه) را نیز ۵ دقیقه تعریف نموده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۲، صص ۳-۶)

۳- طرح جامع قزوین

طرح جامع قزوین سال ۱۳۵۰ محلّه را با ۱۲۰۰ خانوار به مرکزیت یک دبستان و یک فضای سبز جهت بازی کودکان و مرکز تجاری جهت رفع نیازمندی‌های آن لحاظ نموده است (وزارت مسکن، ۱۳۵۰، صص ۳۰-۹۷).

۴- تهران

محلّه‌بندی به شیوه‌ی پری در سال ۱۳۴۴ در طرح جامع تهران به کار گرفته شد و بعد از انقلاب نیز وزارت مسکن و شهرسازی مجدداً محلّه را مطرح و به شکل یک مفهوم شناخته شده با مجموعه از واحدهای مسکونی است که قادر به تأمین کلیه نیازهای ساکنین باشد تعریف کرده است (شیرانی، ۱۳۸۲، صص ۱۴۶). طرح جامع تهران - محلّه را به صورت یک مجتمع زیستی متشکل از ۱۰۰۰ خانوار یا ۴ تا ۵ هزار نفر جمعیت با شعاع دسترسی ۵۰۰ متر و با وسعتی معادل ۷۵ هکتار تعریف نموده که ملاک عملی برای تمامی شهرهای کشور گردید. (وزارت کشور، ۱۳۷۸، صص ۶۷). اخیراً طرح جامع جدید، سازماندهی تهران بزرگ را با یک الگوی تقسیم‌بندی شهرسازانه - مدیریتی در پنج سطح: شهر، حوزه، منطقه، ناحیه و محلّه تعریف و تعیین محدوده‌ی تقسیمات رده‌ی محلّه را در حوزه‌ی اختیارات شورای شهر نهاده است (پورمحمدی، ۱۳۸۲، صص ۳۷۲).

مهندسان مشاور آتک در طرح حفظ و ساماندهی تهران سال ۱۳۶۷ جمعیت محله را بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت و به طور متوسط ۱۷۵۰۰ نفر لحاظ نموده است (مهندسان مشاور آتک، ۱۳۶۷، ص ۷۱). مدیریت شهری کلان شهر تهران نیز در انتهای سال ۱۳۸۴ شهر تهران را به محلات برنامه‌ریزی تقسیم و انتخابات معتمدین محلات در آن را نیز برگزار نمود که به تعدادی از محلاتی که آمار و ارقام آن موجود می‌باشد اشاره می‌شود: (جدول شماره ۱).

جدول (۱) محلات شهر تهران بر حسب جمعیت و مساحت و تراکم

تراکم خالص (هکتار)	مساحت هر محله به هکتار	تعداد خانوار در محله	تعداد محله	مساحت به کیلومتر مربع	جمعیت به خانوار	شهرداری مناطق
۱۴۵	۶۲	۴۵۰۰	۲۰	۱۲/۴	۹۰,۰۰۰	۸
۲۵۱	۲۷	۳۲۶۹	۲۶	۷/۲	۸۵۰۰۰	۱۰
۱۵۰	۵۷	۴۲۱۰	۱۹	۱۱	۰,۸۰۰۰	۱۱
۱۱۹	۵۳	۳۲۲۵	۳۱	۱۶/۷	۱۰۰,۰۰۰	۱۲
۴۵۰	۸۰	۱۸۰۰۰	۲۵	۲۰	۴۵,۰۰۰	۱۴
۱۲۸	۷۷/۲	۵۰۰۰	۲۲	۱۷	۷۰,۰۰۰	۱۶
۲۰۰	۵۰	۵۰۰۰	۸	۴	۴۰,۰۰۰	۱۹

مأخذ: www.tehransama.ir

۵- طرح جامع تبریز

اولین طرح جامع شهر تبریز به تبعیت از رواج شهرسازی جدید در کشور توسط مشاوران مقتدر آندروف در سال ۱۳۴۵ آغاز و مرحله‌ی اول آن در اسفند ۱۳۴۶ و مرحله‌ی دوم آن دو سال بعد به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی ایران رسید و مطالعات طرح تفصیلی آن از سال ۱۳۵۴ آغاز و ۶ سال بعد در سال ۱۳۶۰

به تصویب رسید. اما تحولات انقلاب اسلامی، جنگ، و جزو آن سبب تجدید نظر در طرح و در نهایت دومین طرح جامع تبریز در سال ۱۳۶۸ آغاز در سال ۱۳۷۴ به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی کشور رسید و از آن سال تاکنون (اوایل سال ۱۳۸۶) طرح تفصیلی کل شهر به استثناء مناطق ۳ و ۴ به تصویب نرسیده است. شهر تبریز بر اساس طرح جامع به ۹ منطقه و ۴۴ ناحیه و ۱۵۶ محله‌ی برنامه‌ریزی پیشنهادی تقسیم شده است که در وضع موجود طرح تفصیلی تعداد آن به ۶۲ محله رسیده است (جدول شماره ۲).

جدول (۲) تقسیمات کالبدی شهر تبریز در طرح جامع و محلات موجود محلات پیشنهادی طرح جامع و محلات موجود

شماره‌ی منطقه	تعداد ناحیه	محلات برنامه‌ریزی پیشنهادی طرح جامع	محلات موجود
۱	۶	۲۶	-
۲	۸	۲۸	-
۳	۶	۳۴	۳۳
۴	۵	۲۶	۱۶
۵	۱	۶	-
۶	۱	۱۱	۱۱
۷	۵	۱	۱
۸	۴	۲	-
۹	۸	۲۲	۱
جمع	۴۴	۱۵۶	۶۲

مأخذ: مهندسان مشاور زیستا، ۱۳۸۴

مناطق مورد نیاز (طرح تفصیلی شهر تبریز) جهت محله‌بندی

- از بین مناطق ۹ گانه‌ی طرح جامع تبریز منطقه‌ی ۶ جزء محور تاریخی - فرهنگی شهر تبریز است که بررسی هر موضوعی در آن روال خاص قانونی و مطالعات خاص خود را طلب می‌نماید، بر این اساس خارج از بررسی‌های محله‌بندی فعلی است.

- مناطق ۷ و ۹ نیز به ترتیب منطقه‌ی صنعتی و نظامی است و به لحاظ عدم غلبه‌ی بافت مسکونی ضرورت محله‌بندی در آنها احساس نمی‌شود.

بنابراین مناطق ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ به واسطه‌ی بافت غالباً مسکونی آنها جهت مطالعه محله‌بندی مناسب به نظر می‌رسند.

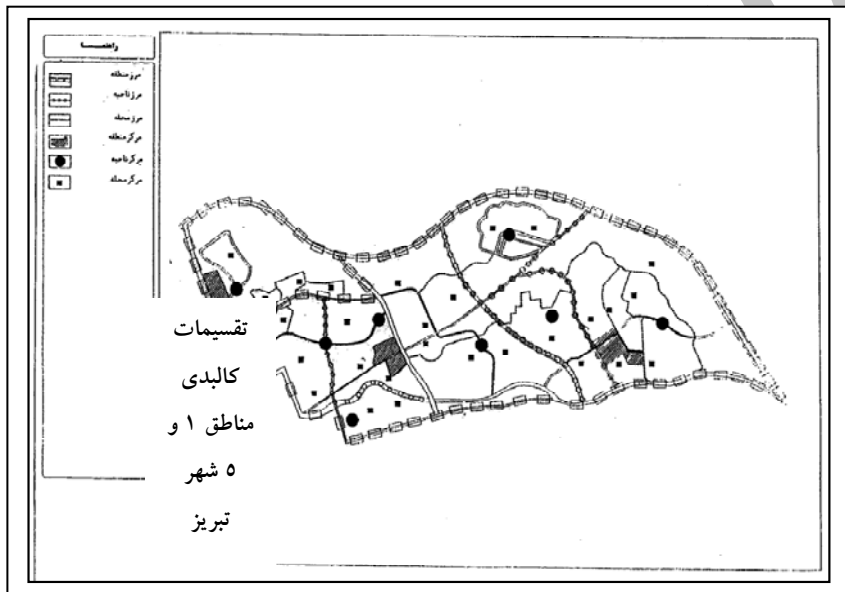
محله و معیارهای بکار رفته در مناطق طرح تفصیلی شهر تبریز

طرح جامع مصوب ۱۳۷۴ تبریز، محله را کوچک‌ترین واحد تقسیمات شهری با جمعیت حدود ۱۰,۰۰۰ نفر تعریف و مرزبندی آن را با توجه به همگنی اجتماعی، اقتصادی ساکنین در قالب بافت فعلی و شبکه‌ی اصلی ارتباطات شهر تحدید نموده است (مهندسان مشاور نقش محیط، ۱۳۸۴، صص ۲۵ و ۲۶).

محله در مناطق ۱ و ۵

مناطق ۱ و ۵ تبریز شامل محدوده‌ای است که در آن محلات شناخته شده قدیمی از جمله پل سنگی، ششگلان، شتریان، سرخاب، سیلاب، و محلات جدید آن ولیعصر، شهرک ارم، رشدیه و جزو آن قرار گرفته است (نقش محیط، ۱۳۸۴).

مرکز استفاده شده است که در سطح‌بندی منطقه‌ای و ناحیه از هر دو معیار فوق اما در سطح محله فقط از مرکز محله و کاربری‌های آن استفاده شده است که در این صورت نیز مرز محله مشخص و معین نیست (شکل شماره ۲).



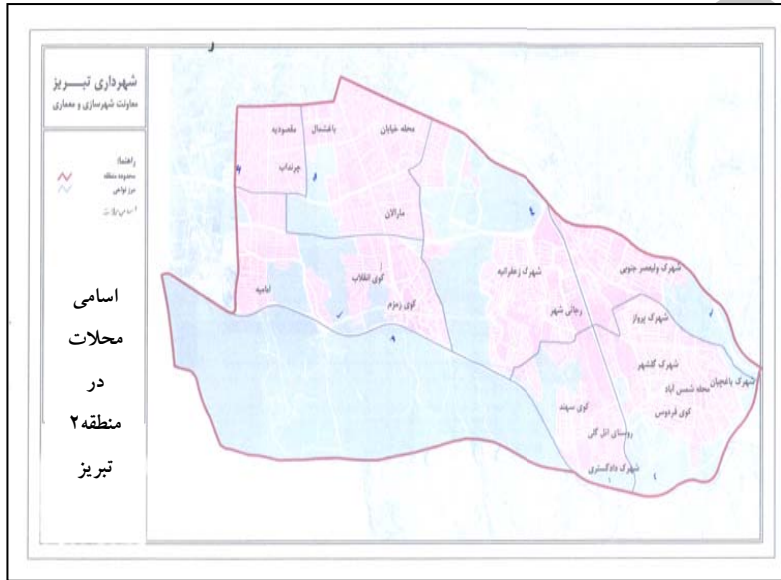
شکل (۲)

منبع: مهندسان مشاور نقش محیط: مطالعات طرح تفصیلی مناطق ۱ و ۵ شهر تبریز ۱۳۸۴

محله در مناطق ۲ و ۸

مناطق ۲ و ۸ شهر تبریز ترکیبی از محلات قدیمی شامل محله‌ی خیابان، باغشمال، مارالان و جزو آن و محلات جدید، نظیر محلات پرواز، گلشهر، زعفرانیه و جزو آن می‌باشد. بر اساس مطالعات مشاور تهیه‌کننده (عرصه) در بخش تقسیمات کالبدی از مرزبندی محله و معیارهای آن اطلاعات لازم به دست نمی‌آید

چرا با تفکیک نواحی در دل آنها فقط به ذکر نام محله اکتفا نموده است (عرصه، ۱۳۸۴) (شکل شماره‌ی ۳).



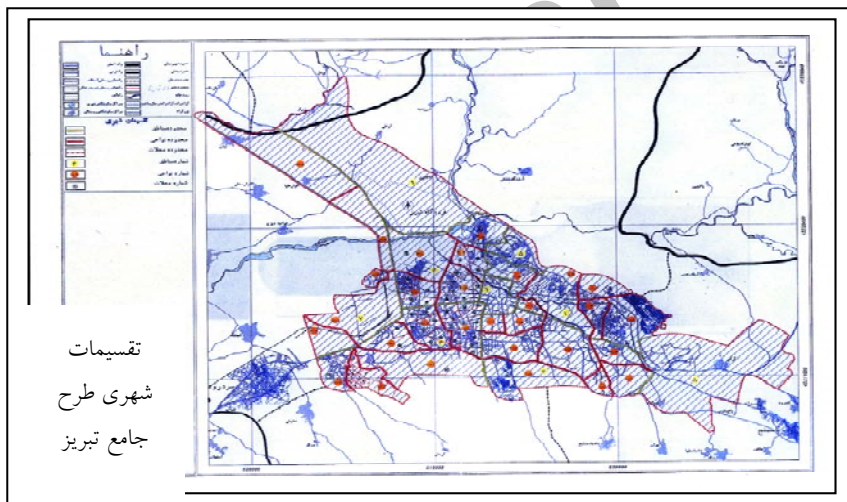
شکل (۳)

منبع: مهندسین مشاور عرصه: مطالعات طرح تفصیلی منطقه ۲ - شهر تبریز ۱۳۸۴

در حالی که مناطق ۸ و ۲ همانند ۵ و ۱، مناطق به سرعت توسعه‌یافته‌ی فیزیکی شهر تبریز به شمار می‌آیند و هر گونه برنامه‌ریزی شهری در آن نیز بایستی بر مبنای تقسیمات درست و معین و علمی استوار شود تا هم توزیع کاربری و هم فعالیت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای به تبعیت از آن به شکل منطقی میسر گردد والا در آینده‌ای نه چندان دور شاهد بروز مشکلات عدیده‌ی ناشی از تراکم‌های نامناسب شهری در مناطق فوق‌الذکر خواهیم بود.

مناطق ۳ و ۴

مناطق بافت پر شهری در غرب شهر از اولین مناطق مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی در سال ۱۳۸۴ می‌باشد که از سوی مشاور اصلی طرح تفصیلی شهر تبریز زیستا تهیه شده است. مطالعات مشاور تهیه‌کننده نشان می‌دهد که محلات پیشنهادی طرح جامع تحقق نیافته است چرا که از ۶۰ محله‌ی پیشنهادی در طرح جامع در مناطق ۳ و ۴ تنها ۳۹ محله موجود می‌باشد (زیستا ۱۳۸۴) (شکل شماره ۴).



شکل (۴)

منبع: مهندسان مشاور زیستا: مطالعات طرح تفصیلی مناطق ۳ و ۴ - شهر تبریز

در حالی که از ۳۳ محله‌ی موجود در طرح مشاور برای منطقه‌ی ۳ اطلاعات کامل ۲۳ محله و شماره‌ی ۱۰ و ۱۱ نیز ادغام شده است بنابراین کل محلات با

اطلاعات آمار کامل، از منطقه‌ی ۳، ۲۲ محله و از منطقه ۴، ۱۶ می باشد و در کل مجموع محلات در دو منطقه‌ی فوق (۳ و ۴) شامل ۳۸ محله می‌باشند.

معیارهای به کار رفته در محله‌بندی از سوی مشاور به استثناء محلات ۱۷ و ۲۳ شامل سه معیار جمعیت، مساحت و نوع دسترسی می‌باشد که به نظر می‌رسید دسترسی در این بین نقش پررنگی را در مرزبندی و محله‌بندی آنها بر عهده داشته است. چرا که بررسی معیارهای جمعیت، مساحت و تراکم در دو منطقه‌ی فوق و مقایسه‌ی میانگین آنها تفاوت‌های چشمگیری را نسبت به هم نشان می‌دهند. منطقه‌ی ۴ با وسعت کم و جمعیت بیشتر تراکم بالایی را هم در سطح منطقه و هم محله نسبت به منطقه‌ی ۳ از خود نشان می‌دهد (جدول شماره‌ی ۳).

جدول (۳) تقسیمات کالبدی محلات مناطق ۳ و ۴ طرح تفصیلی تبریز

نام منطقه	جمعیت منطقه	مساحت منطقه	تعداد خانوار در منطقه	میانگین تعداد خانوار در محله	میانگین جمعیت محله	میانگین مساحت محله	تراکم خانوار در هکتار
۳	۲۱۷۸۶۶	۲۸۴۹۷۲۱۷	۳۷۵۶۳	۱۷۰۷	۹۹۰۳	۱۲۹	۲۷
۴	۳۲۴۹۷۶	۲۶۹۷۵۵۰۲	۵۶۰۳۰	۳۵۰۱	۲۰۳۰۵	۱۵۸	۴۴

منبع: مطالعات پژوهشگر

بنابراین مطالعه معیارهای بکار رفته در کشورهای خارجی و داخلی حکایت از آن دارند که بر اساس ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و سطح توسعه‌یافتگی و مشخصات کالبدی شهر، نوع بافت و جزو آن این معیارها متغیر می‌باشد. اما

هیچ‌یک از آنها به جز طرح تفصیلی شهر تبریز برای یک شهر با وجود شرح خدمات یکسان از شیوه‌های گوناگون یا شیوه‌ی محله‌بندی استفاده نموده‌اند. چنانکه سه مشاور در طرح تفصیلی مناطق ۶گانه‌ی مذکور از سه شیوه‌ی متفاوت لکه‌ای، مرکز ثقل و مرزبندی برای تحدید محله استفاده کرده‌اند. امری که در آینده‌ای نه چندان دور مجدداً برای محله‌بندی شهر تبریز جهت انتخاب شورا و شهردار محله، هزینه‌ای بس سنگین را برای مدیریت شهری در پی خواهد داشت.

تجزیه و تحلیل معیارهای بکار رفته در محله‌ی شهرسازی جمعیت

یکی از معیارهای اصلی تقسیمات کالبدی شهری در سطح محله جمعیت است که به تبعیت از دیدگاه‌های نظری موضوع پری، روستا شهر - شیعه، حبیبی - حدوداً معادل ۵۰۰۰ نفر می‌باشد،

جدول (۴) معیارهای کمی شهرسازی از منظر صاحب‌نظران برنامه‌ریزی شهری

میانگین	حبیبی	شیعه	روستا شهر	پری	دیدگاه صاحب‌نظران شهرسازی جمعیت
۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	تعداد جمعیت

اما بر مبنای موقعیت ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی شهر این رقم متغیر می‌باشد (مانند کاشان و تهران). اما در مورد شهر تبریز و طرح تفصیلی آن میانگین جمعیت محلات مناطق ۳ و ۴ جمعیت بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد مشاور معیار اعلام شده از سوی وزارت کشور را بیشتر در

تقسیمات کالبدی مد نظر قرار داده است. بر اساس میانگین ۵ هزار نفر، شهر تبریز بر طبق آخرین آمار (۱۳۷۵) با جمعیتی معادل ۱۱۹۷۹۵۱ نفر دارای ۲۳۹ محله می‌شود در حالی که طرح تفصیلی جدید شهر تبریز دارای ۱۵۶ محله‌ی برنامه‌ریزی و پیشنهادی طرح جامع (با محور تاریخی - فرهنگی) می‌باشد.

تقریباً کلیه‌ی اسناد و مدارک علمی انتشار یافته در رابطه با دسترسی به حمل و نقل عمومی در یک نکته وجه اشتراک دارند و آن اینکه که حداکثر فاصله از در خانه تا مرکز محله یا ایستگاه وسیله‌ی حمل و نقل عمومی در حد ۱۰ دقیقه پیاده‌روی است که معادل ۶۰۰ متر بین لبه محله تا مرکز محله است بنابراین وسعت محله حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ هکتار می‌شود. اگر شکل محله دایره‌ای باشد به شعاع ۵۰۰ متر و اگر مربع باشد به شعاع ۱۰۰۰ متر که بر این اساس مساحت محله حدود ۱۰۰ هکتار می‌شود (بحرینی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷). آنچنانکه در طرح جامع کاشان فاصله به دقیقه و در تهران فاصله با شعاع ۵۰۰ متر لحاظ شده است، این امر در مورد شهر تبریز و در مطالعات تقسیمات کالبدی آن لحاظ نشده است.

جدول (۵) معیارهای کمی برای شعاع دسترسی از حاشیه به مرکز محله

دیدگاه صاحب نظران	پری	شهرسازی جدید	حیپی	شبهه	میانگین
تعداد جمعیت	۴۰۰	۴۰۰	۴۵۰	۵۰۰	۴۳۷

اگر محاسبات خود را بر مبنای شکل محله ارزیابی نماییم در صورت تصور شکل دایره با قطر حدود ۵۰۰ متر مساحت هر محله معادل ۶۳/۵ هکتار می‌شود. با تقسیم مساحت کل شهر تبریز براساس آمار سال ۱۳۷۵ (۱۲۶۷۳ هکتار) تعداد محلات

حاصله برابر ۱۹۹ می‌شود. در حالی که چنین چیزی در آخرین طرح جامع و تفصیلی شهر نیز مشاهده نمی‌شود.

اگر محلات بافت پر شهری تبریز با ارقام حاصله مقایسه نماییم. تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد با معیار جمعیت ۵۰۰۰ برای مناطق ۳ و ۴ طرح تفصیلی شهر تبریز تعداد محله ۱۰۸ و بر طبق مساحت محله ۶۳/۵ برابر ۸۷ محله می‌شود. در حالی که طرح تفصیلی مصوب شهر محلات برنامه‌ریزی پیشنهادی طرح جامع را ۶۰ محله و محلات موجود را ۳۹ و محلات مصوب را ۳۸ مورد اعلام نموده است.

شعاع محله برای محاسبه مساحت محله در شکل منتظم دسترسی با پیامی پیاده از حاشیه خطر برخی به مرکز محله در نظرگاه برنامه‌ریزی شهری تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که در نهایت می‌توان میانگین آن را به عنوان یک معیار قابل مقایسه جهت نیل به هدف استفاده کرد (جدول شماره‌ی ۶).

جدول (۶) پیش‌بینی تعداد محله بر حسب جمعیت و مساحت و پیش‌بینی محلات جامع

تفصیلی مصوب در مناطق ۳ و ۴ تبریز

مناطق ۳ و ۴	جمعیت	مساحت به هکتار	تعداد محله بر حسب مساحت محله ۶۳/۵	تعداد محله بر مبنای ۵۰۰۰ نفر	محلات برنامه‌ریزی شده طرح جامع	محلات موجود	محلات مصوب
۴	۵۴۲۸۴۲	۱۲۶۷۳	۸۷	۱۰۸	۶۰	۳۹	۳۸

میانگین جمعیت محلات ۳۸ گانه‌ی مناطق ۳ و ۴ برابر ۱۴۲۸۵ نفر و میانگین مساحت حاصله برابر ۱۴۶ هکتار شد که در این بین ۳ محله کمتر از ۵۰۰۰ نفر و ۷

محله کمتر از ۶۳/۵ هکتار مساحت داشتند. بالا بردن میانگین جمعیتی محلات مورد مطالعه در مناطق فوق‌الذکر، از میانگین استانداردهای شهرسازی به نظر می‌رسد که ناشی از بخشنامه‌ی وزارت کشور با رعایت حداقل ده هزار نفر جمعیت برای محله بوده و مغایرت مساحت محلات ناشی از موقعیت آنها و وجود دو محله بزرگ (محله ۱۷) و (محله ۲۳) از منطقه‌ی ۳ طرح تفصیلی است که مساحت بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

تراکم جمعیت براساس تعداد جمعیت بر هکتار محاسبه و به سطح توسعه-یافتگی کشورها بستگی دارد هر چه کشور توسعه‌یافته و وسعت شهرهای آن بیشتر باشد تراکم پایین‌تر، چنانکه در کشورهای توسعه‌یافته ۱۵-۱۰ خانوار اما در کلان-شهرهای کشور ما تهران و به ویژه در مناطق ۳ و ۴ طرح تفصیلی تبریز بالای ۳۰ خانوار در هکتار منظور شده است.

در تقسیمات کالبدی شهر و محله‌بندی بر مبنای شهرسازی کشورهای توسعه‌یافته منطبق با مقتضیات زمانی و مکانی خود از عناصر و مؤلفه‌هایی خاص استفاده شده است یکی از مهم‌ترین آنها و در نهایت هویت‌بخش‌تر آن وجود یک مدرسه ابتدایی در مرکز محله و فاصله متناسب از انتهای لبه‌ی خارجی محله است که برنامه‌ریزی و مکان‌یابی آن بر مبنای پیاده است به گونه‌ای فرزندان آنها با پای پیاده و بدون برخورد با تقاطع استرس‌دار به مدرسه دسترسی داشته باشند و علاوه بر این خود نیز به راحتی مایحتاج خود را از مرکز تجاری خرید و در مرکز خدماتی نیز استفاده‌ی بهینه نمایند.

تعییه‌ی یک مدرسه در دل محله به عنوان عامل کریستالیزه‌ی محله در کشور امروزه اهمیت خود را از دست داده است چرا که به واسطه‌ی کمی حد نصاب دانش‌آموزان محله از محله‌های مجاور مجبور به جذب دانش‌آموزان جهت رعایت حد نصاب گشته و گاهی نیز ساکنین محله فرزندان خود را در مدارس غیرانتفاعی خارج از محله ثبت نام می‌نمایند. امری که تعادل و توازن جمعیتی محلات را بر هم زده و برنامه‌ریزی شهری را با مسایل و مشکلاتی مواجه ساخته است. در برنامه‌ریزی محله‌ای کاربری آموزشی رده‌ی محله، مهم‌ترین شاخص در تعیین جمعیت کل آن محله (در صورت وجود شرایطی از جمله نوع مدرسه به تفکیک جنس، دو شیفته یا تک شیفته بودن، الگوی مدارس، ظرفیت کلاس، نسبت جمعیت مدرسه رو به کل جمعیت) به شمار می‌رود.

به عنوان مثال برای یک مدرسه‌ی ابتدایی با الگوی مدارس ابتدایی کشور ۱۰ و ۱۵ و ۲۰ کلاسه با ظرفیت ۳۵ نفر در هر کلاس، با ۱۵٪ از کل جمعیت دبستان‌رو تعداد جمعیت کل محله برابر است با:

$$۱۰ \times ۲ \times ۳۵ = ۷۰۰ \times \frac{۱۰۰}{۱۵} = ۴۶۶۶$$

$$۱۵ \times ۲ \times ۳۵ = ۱۰۵۰ \times \frac{۱۰۰}{۱۵} = ۷۰۰۰$$

$$۲۰ \times ۲ \times ۳۵ = ۱۴۰۰ \times \frac{۱۰۰}{۱۵} = ۹۳۳۳$$

بنابراین پیشنهاد ۲ تا ۳ هزار نفر جمعیت برای محله در طرح جامع کاشان هیچ تناسبی با معیارهای شهرسازی ندارد و از جانبی عدم تحقق مرکزیت محله در

مناطق ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ تبریز به شکل و شمایل مذکور نیز حکایت از عدم توجه به این سطح در برنامه‌ریزی شهری است.

مهم‌ترین نکته در برنامه‌ریزی شهری کشور کم رنگ شدن نقش مرکزیت محله در مرکز هندسی آن است. چنانکه الگوی ساماندهی شهری ایران بر اساس تجربه‌ی عینی کشور حاکی از آن است که در مقیاس محلی، خدمات عمومی محله‌های شهری به استقرار در امتداد محور خیابان‌ها گرایش دارند (شیرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶). فلذا لازم است به عملکرد خیابان که باعث رونق مغازه‌ها و خدمات محله‌ای می‌شود توجه ویژه‌ای شود تا بدین طریق بتوان مرزهای سیال محله‌ای را نیز در شهرها بنیان نهاد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بنابراین با معیارهای عددی ارایه شده از سوی متخصصین امر برای شهرهای کشور بدون رعایت تفاوت‌های اقتصادی، فرهنگی و کالبدی به جواب منطقی نمی‌توان رسید بنابراین دیدگاه‌های اوایل قرن بیستم از سوی پری و اشتاین در رابطه با تقسیمات کالبدی بر مبنای دو شاخص جمعیت و شعاع دسترسی (مساحت) با پارامترهای ارایه شده همخوانی ندارد شاید بتوان گفت برای آغاز کار تقسیمات کالبدی می‌توان از آن استفاده کرد. اما باید با مرور زمان و مطابق با شرایط مقتضیات زمانی و مکانی در فکر اصلاح و تطبیق آن بود چنانکه در شهر تبریز در منطقه ۴ آن با ۱۶ محله هیچ محله‌ای با این معیار یافت نمی‌شود و در منطقه‌ی ۳ با ۲۲ محله فقط ۲ محله کمتر از معیار فوق وجود دارد به نظر می‌رسد

مشاوران تهیه‌کننده‌ی طرح‌های توسعه‌ی شهری در معیار جمعیتی از ضوابط وزارت کشور (جمعیت بیش از ۱۰۰۰۰ نفر) بیشتر استفاده نموده‌اند.

مرکزیت دبستان ابتدایی پذیرش یک مدرسه ابتدایی در مرکز محله در قالب نظریه‌های پری و اشتاین در برنامه‌ریزی شهری کشور محاسبات کالبدی مشاورین طرح‌های جامع و تفصیلی در جداول گوناگون آمده است اما به دلایلی انطباق آن در کشور به لحاظ تفاوت‌های فرهنگی امکان پذیر نیست چرا که مدارس ابتدایی کشور به تفکیک مذکر و مؤنث بوده و دو شیفته نمودن نیز آثار نامطلوبی از نظر آموزشی در پی خواهد داشت و بدین سبب اکثریت افراد محلات فرزندان خود را در خارج از محله روزانه تحصیل می‌نمایند هر چند در بعضی از محلات تبریز نظیر محله‌ی ۷ و ۱۷ خود دارای بیشترین درصد کاربری آموزش عمومی بوده‌اند.

به کارگیری سرانه‌ی کاربری‌های بالا با کاهش تراکم و اختلاط کاربری‌ها و رعایت سایر استانداردها در ساخت محلات شهری کشورهای توسعه‌یافته با وسعت زمین شهری و منابع مالی زیاد آنها انطباق دارد امری که بکارگیری عین آن معیارها از سوی شهرسازان در کشور توأم با قلت منابع مالی جهت اجرا آثار و تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی بیشتری را در پی خواهد داشت (انتظارات در حد کشورهای توسعه‌یافته، منابع در حد کشورهای توسعه‌نیافته) در مورد شهر تبریز معیارهای، جمعیت، مساحت، تراکم، تعیین مرکز خدماتی، آستانه‌ی کالا در تعیین محدوده‌ی محلات شهری به واسطه‌ی شرایط خاص جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی از سایر شهرهای کشور متمایز می‌شود. تشتت روش‌های محله‌بندی از سوی مشاوران در طرح تفصیلی نیز با مرزبندی اجتماعی هیچ‌گونه تطابقی ندارد از جانبی برنامه‌ریزی‌های بخشی و محدوده‌بندی نهادهای مختلف

جهت سهولت خدمات‌رسانی هر یک از ضوابط خاصی تبعیت می‌کند. بنابراین جهت محله‌بندی مناسب شهرها و به ویژه کلانشهرهای کشور پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱- برای نیل به محله‌بندی مطلوب شهری رعایت معیارهای کمی شهرسازی لازم است اما کافی نیست چرا که کیفیت زندگی بیشتر با معیارهای ذهنی (کیفی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد فلذا رعایت نظر مردم نسبت به محله خود و مرزهای محله از اهمیت خاصی بهره‌مند می‌باشند. بنابراین ترکیب و تلفیق معیارهای کمی و کیفی در تقسیم بندی شهر بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛

۲- قبل از هر گونه تقسیم‌بندی شهر (به ویژه شهرهایی مانند تبریز) بایستی شهر به بافت‌های فیزیکی نظیر بافت تاریخی، قدیمی و جزو آن و یا طبقات اجتماعی متمایز از هم تفکیک تا بر این اساس نوع محله و کاربری‌های خاص آن معین شود؛

۳- به واسطه‌ی فقدان مطالعات محله و محله‌بندی پیشنهاد می‌شود در دانشگاه‌های کشور در رشته‌ی شهرسازی و رشته‌های مرتبط به آن نظیر جغرافیا و علوم اجتماعی و جزو آن واحد یا واحدهایی جهت تدریس و یا پژوهش به این امر اختصاص یابد؛

۴- بکارگیری مدل در تقسیمات کالبدی شهر از طریق نرم‌افزارهای رایانه‌ای نظیر GIS می‌تواند از تشتت محله‌بندی (مانند طرح تفصیلی شهر تبریز) تا حد لزوم کاسته و محاسبات گسترده معیارها را امکان‌پذیر سازد.

۵- برای تشویق مدیریت شهری کشور به محله‌بندی پیشنهاد می‌شود محله‌بندی شهر به عنوان یک ضریب ویژه در امتیازبندی درجات شهرداری شهرها و سایر امتیازات تأثیرگذار در استفاده از تسهیلات و امکانات دولتی لحاظ شود؛

۶- یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در معیار شعاع دسترسی محله بررسی ساختار جمعیتی محله و الگوهای سکونتی آن است که در مطالعات بایستی به آن توجه شود.

۷- با تضعیف نقش مدرسه به عنوان یک عامل انسجام بخش به نظر می‌رسد عوامل دیگری نظیر مسجد و مراکز چند نقشی نظیر مجتمع‌های ورزشی و فرهنگی می‌تواند جایگزین آن شود.

۸- از آنجایی که بر اساس قانون تقسیمات کشوری وزارت کشور و مرکز آمار ایران و شهرداری مسئولیت محله‌بندی شهرها را بر عهده دارند پیشنهاد می‌شود در تقسیمات کالبدی شهر از سوی مهندسان مشاور تهیه‌کننده، نظر همگی آنها در محله‌بندی لحاظ تا از این طریق مرزهای محله به کاربردی‌ترین سطح خود تقلیل دهند؛

۹- اگر محله‌بندی شهر متناسب با معیارهای واقعی شهرسازی (کمی و کیفی) صورت گیرد می‌تواند زمینه‌ای باشد برای شکل‌گیری شورا و مدیریت محله‌ای که از آن طریق می‌توان به مزایای زیر دست یافت: افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، انتخاب واقعی شورای شهر و شهردار، کاهش هزینه‌های سنگین شهرداری در جهت کنترل توسعه‌ی فیزیکی شهر با انتخاب نگهبان و پلیس محله، سهولت اراییه‌ی خدمات شهری و شکل‌گیری شورای حل اختلاف (قضایی) محله.

منابع

- ۱- براند فری، هیلدر (۱۳۸۳)، *طراحی شهری به سوی یک شکل پایدار شهر*، مترجم: حسین بحرینی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۲- برک‌پور، ناصر (۱۳۷۸)، *مفهوم باهمستان در شهرسازی، مجله‌ی آبادی*، سال نهم، شماره‌ی ۳۴ و ۳۵.
- ۳- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابوالقاسم حسینیون (۱۳۶۶)، *مهاجرت روستایی خراسان، نقشه‌های پایه، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی*، سال دوم، شماره ۳.
- ۴- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *طرح مطالعاتی منطقه‌بندی شهر تبریز*، استانداری آذربایجان شرقی، معاونت عمرانی، شورای پژوهش استان.
- ۵- جردن، راونتزی، ولستر راونتزی (۱۳۸۰)، *مقدمات جغرافیای فرهنگی*، مترجم: سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- ۶- حبیبی، محسن و صدیقه مسایلی (۱۳۷۸)، *سرانه‌ی کاربری‌های شهری*، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان ملی زمین و مسکن، چاپ اول.
- ۷- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱)، *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهر*، چاپ اول، تهران: انتشارات منشی.
- ۸- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۶۹)، *مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (جغرافیا)*، چاپ اول، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

- ۹- سازمان برنامه و بودجه استان فارس، معاونت برنامه‌ریزی (۱۳۷۱)،
استانداردهای حداقل سرانه‌ی کاربری اراضی در طراحی شهری شیراز،
 مجموعه مقالات اقتصادی - اجتماعی، شماره‌ی نهم.
- ۱۰- شکوئی، حسین (۱۳۶۵)، *جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی شهر*، تهران:
 جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- شیرانی، حسین (۱۳۸۲)، *ساماندهی مکان*، چاپ اول، تهران: انتشارات
 آذرخش.
- ۱۲- شیعه، اسماعیل (۱۳۷۱)، *مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری*، چاپ سوم،
 تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- ۱۳- علی‌نژاد، عسل (۱۳۸۲)، *واحدهای همسایگی پایدار*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی
 ارشد معماری، تهران، دانشگاه تهران: دانشکده‌ی معماری و شهرسازی.
- ۱۴- فریادی، شهرزاد (۱۳۸۳)، *طراحی شهری در مقیاس کوچک رویکردی به
 سوی جوامع پایدار*، شهرداری تهران: همایش توسعه‌ی محله‌ای و توسعه‌ی
 پایدار شهر تهران.
- ۱۵- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹)، *طراحی فضای شهری و نگرشی بر فرایندهای
 اجتماعی - مکانی*، چاپ اول، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۱۶- مرادی و اراز (۱۳۸۳)، *دستیابی به شکل پایدار شهری*، شکل پایدار حمل و
 نقل شهری، (جلد ۱) تهران: انتشارات پردازش، جلد (۱).

- ۱۷- مهندسان مشاور آتک (۱۳۶۷)، *طرح حفظ و ساماندهی تهران*، بخش بررسی تقسیمات شهری، بی تا و بی جا.
- ۱۸- مهندسان مشاور زیستا (۱۳۸۴) *طرح تفصیلی مناطق ۴ و ۳ تبریز*، شهرداری تبریز.
- ۱۹- مهندسان مشاور عرصه (۱۳۸۴)، *طرح تفصیلی مناطق ۲ و ۱ تبریز*، شهرداری تبریز.
- ۲۰- مهندسان مشاور نقش محیط (۱۳۸۴)، *طرح تفصیلی مناطق ۵ و ۱ تبریز*، شهرداری تبریز.
- ۲۱- وزارت کشور (۱۳۷۸)، *کتاب سبز، راهنمای شهرداری‌ها، جلد چهارم، نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی*، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- ۲۲- وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری (۱۳۸۰)، *تدوین سرانه‌های کاربری خدمات شهری، جلد اول مفاهیم پایه و مبانی نظری*، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- ۲۳- وزارت کشور (۱۳۶۷) *بخشنامه‌ی شماره ۳۴/۱۶۰۴* ، $\frac{۳۴/۱۶۰۴}{۶۷/۲/۱}$ ، *تقسیم‌بندی شهرها بر اساس ماده‌ی ۳۰ قانون تشکیلات شورای اسلامی*.
- ۲۴- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۵۰)، *خلاصه گزارش طرح جامع رشت*، تلخیص عبدالحمید، اشراق، بی تا و بی جا.

- ۲۵- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۶۲)، *طرح جامع شهر کاشان*، تهران: مهندسان مشاور دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه ملی ایران.
- ۲۶- وزارت مسکن و شهرسازی، (۱۳۵۰)، *خلاصه گزارش طرح جامع قزوین*، تلخیص عبدالحمید، اشراق، بی‌نا و بی‌تا.
- ۲۷- وزین، غلامرضا (۱۳۷۸)، *ساماندهی شهری، تکنیک شهرسازی*، مجموعه مباحثی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و طراحی شهری، چاپ اول، مشهد: انتشارات درخشش.
- 28- Furusteh, O.J. (1997), "Neo-traditional Planning a New Strategy for Building Neighborhoods", *Land Use Policy*, Elsevier Science Ltd, Vol. 14, No. 3.
- 29- Hiraskar, G.K. (1989), "*Fundamentals of Town Planning*", O.P. Kapurr for Dhanpat Rai and Sons Delhi Jalandhar.
- 30- Randolph, T. Hester, Jr. (1984), "*Planning Neighborhood Space with People*", University of California, U.S.A, Second Edition.
- 31- Thomilson, R. (1970) *Urban Structure*, Random House, New York.
- 32- www.Peakpr.com
- 33- www.Tehransama.ir
- 34- Moughtin, C.P. Shirley (2005), *Urban Design Green Dimensions*, Architectural Press, Elsevier, U.K. Second Edition.
- 35- Morris, D. and Hess, K. (1975), *Neighborhood Power*. Boston. MA: Beacon Press. U.S.A.
- 36- Keller, S. (1968), *The Urban Neighborhood*, New York, Random House, U.S.A.